DOI: 10.22034/mral.2025.2049043.1692

تاریخ ارسال: ۱۴۰۳/۱۰/۰۷ | تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۵/۰۲

امکان‌سنجی تحقق اصل مسئولیت‌پذیری در حقوق اداری ایران

محمدرضا ویژه[۱]

محمد خلیلی[۲]

چکیده

اصل مسئولیت‌پذیری در حقوق اداری، ضابطه کیفی اعمال اختیارات مقامات عمومی می‌باشد، در این معنا که وجود نقص و سهل‌انگاری در انجام وظایف از سوی مقام عمومی موجب کاهش کیفیت خدمت عمومی مورد درخواست ذی‌نفعان می‌شود. این پژوهش با روشی توصیفی-تحلیلی و با گردآوری اطلاعات به روش کتابخانه‌ای-اسنادی به این پرسش پاسخ می‌دهد که با توجه به مفهوم مسئولیت‌پذیری، تحقق آن در حقوق اداری چگونه اتفاق می‌افتد؟

اصل مسئولیت‌پذیری در حقوق اداری ایران با توجه به منابع در نظام حقوقی از جمله بند ۱۰ اصل سوم قانون اساسی، محقق می‌شود. رویه قضایی دیوان عدالت اداری نیز به عنوان مرجع عالی رسیدگی اداری در ایران، با شناسایی اصول کلی حقوق اداری از جمله اصل مسئولیت‌پذیری به عنوان منبعی برای اعمال این اصل تلقی می‌گردد. سازمان بازرسی کل کشور نیز وفق اصل ۱۷۴ قانون اساسی به وظیفه این سازمان در برقراری حسن جریان امور، از منابع قانونی مسئولیت‌پذیری محسوب می‌گردد تا حقوق شهروندان تأمین شود. همچنین ضمانت اجرای آن از قوانین، خصوصا از قانون رسیدگی به تخلفات اداری، استنباط می‌گردد. در صورت تحقق استعمال اصل مسئولیت‌پذیری، کارکرد آن یعنی افزایش کیفیت، دقت و سرعت در دستگاه‌های اداری و اجرایی برای ارائه خدمت عمومی به شهروندان اتفاق می‌افتد و هدف «ایجاد نظام اداری صحیح» در قانون اساسی، به وقوع می‌پیوندد.

کلیدواژه‌ها: حقوق اداری، مسئولیت‌پذیری، حسن جریان امور، سازمان بازرسی کل‌کشور، نظام اداری

۱. دانشیار، گروه حقوق عمومی و بین‌الملل، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران، mrezavijeh@atu.ac.ir

۲. دانشجوی دکتری حقوق عمومی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران (نویسنده مسئول)، khalili_mohammad@atu.ac.ir

مقدمه

اصل مسئولیت‌پذیری[1] به معنای واکنش سریع و باکیفیت نسبت چیزی یا کسی (عوامل خارجی)[2] و در اصطلاح اداری حساسیت یا واکنش‌دهی متناسب و در زمان معقول در برابر عوامل خارجی از سوی اداره می‌باشد[3]، اما آنچه معادل «مسئولیت‌پذیری» را در حقوق اداری برای این واژه مناسب می‌کند، توجه به مسئولیت اداره در قبال شهروندان می‌باشد که از طریق کارکنان اداره اِعمال می‌گردد و اِعمال این مسئولیت در قبال شهروندان، باکیفیت مطلوب و استاندارد همراه می‌گردد، فلذا حساسیت و واکنش‌دهی سریع و متناسب اداره نسبت به عوامل خارجی، از شاخص‌های مهم در اِعمال مسئولیت اداره و مسئولیت‌پذیری نسبت به شهروندان می‌باشد. در نتیجه معادل «مسئولیت‌پذیری» برای اصل مذکور در حقوق اداری، مناسب و بیان‌گر هدف و کارکرد آن اصل می‌باشد.

به‌طور کلان، به موجب قانون اساسی، مسئولیت‌پذیری نسبت به ایفای تکالیف محول‌شده به دولت و حقوقی که ملت دارد، تجلی پیدا می‌کند و اصل مسئولیت‌پذیری در نظم هنجاری نظام حقوقی، از قانون اساسی، استنباط می‌شود. بنابراین بنیان تحقق این اصل در قانون اساسی هست.

آن‌چنان که بند ۱۰ اصل ۳ قانون اساسی جمهوری اسلامی از ایجاد نظام اداری صحیح و حذف تشکیلات غیرضرور صحبت می‌نماید، ایجاد نظام اداری صحیح ناظر بر ارزش‌ها و اصول ماهوی در حقوق اداری می‌باشد و حذف تشکیلات غیرضرور ناظر بر ساختار در حقوق اداری است و مسئولیت‌پذیری در بین اصول ماهوی مرتبط با حقوق اداری تجلی پیدا می‌کند که نتیجه ساختاری آن نیز دیوان‌سالاری چابک می‌باشد و به تبع آن تشکیلات غیرضرور را نفی می‌نماید.

نگارنده ابتدا به دنبال تبیین اصل مسئولیت‌پذیری، تمایز و تشابه آن با اصول مجاور خود می‌باشد؛ چرا که پیش از امکان‌سنجی تحقق این اصل در حقوق اداری ایران، تشریح آن برای مخاطب

---

1. Responsivness

2. Petoft, Arian, **The Concept and Instances of General Principles of Administrative Law: Towards a Global Administrative Law**, **Cuestions Constitunales**, no.42, .**Administrative Law**: Towards a Global Administrative Law, Cuestions Constitunales, no.42, pp. 309-355, 2020, Instituto de Investigaciones Juridicas, UNAM.

۳. هداوند، مهدی، **نظارت قضایی بر اعمال اداری از منظر حکمرانی خوب**، دانشگاه شهید بهشتی، رساله دوره دکتری حقوق عمومی، تهران، زمستان ۱۳۸۶، ص ۱۲.

ضروری می‌باشد. در بررسی اصل مسئولیت‌پذیری در کشورهای اروپایی، چه نظام‌های کامن‌لا و چه نظام‌های مبتنی بر قوانین نوشته، ورود این اصل را در نظام اداری مشاهده می‌کنیم. برای نمونه در حقوق اداری اتحادیه اروپا و کشورهای مختلف آن که رویه در آن‌ها نقش برجسته دارد، اثرات این اصل در راستای دیوان‌سالاری چابک، مشاهده می‌شود، اما نظام حقوقی ایران، متفاوت از نظام کامن‌لا و مبتنی بر قوانین نوشته است و به همین دلیل، تطبیق اصل مسئولیت‌پذیری در حقوق اداری ایران تا به امروز به نحو مستقیم نبوده است اما حقوق اداری ایران متأثر از حقوق اداری فرانسه، در کنار ابتنای بر قوانین و حقوق نوشته شده، از رویه نیز تأثیر می‌پذیرد و این تأثیر، قابل کتمان نیست.

بنابراین ارتباط حقوق اداری ایران در بخش رویه، می‌تواند نقطه مشترکی با نظام‌های حقوقی کامن‌لا باشد و از این جهات ورود مسئولیت‌پذیری به دیوان‌سالاری در ایران در حقوق اداری ایران و امکان بکارگیری نتیجه این اصل برای رفع پیچیدگی‌ها و کُندی دیوان‌سالاری در ایران، تسریع انجام خدمات عمومی و مرتفع نمودن امور ارجاعی شهروندان به ادارات در زمان متعارف و با کیفیت مطلوب، قابلیت بررسی دارد.

پرسش اصلی در این پژوهش آن است که با توجه به مفهوم مسئولیت‌پذیری، تحقق آن در حقوق اداری چگونه اتفاق می‌افتد؟

فرضیه اصلی این است که اصل مسئولیت‌پذیری در حقوق اداری ایران با توجه به منابع در نظام حقوقی از جمله بند ۱۰ اصل سوم قانون اساسی، محقق می‌شود. رویه قضایی دیوان عدالت اداری نیز به عنوان مرجع عالی رسیدگی اداری در ایران، با شناسایی اصول کلی حقوق اداری از جمله اصل مسئولیت‌پذیری به عنوان منبعی برای اعمال این اصل تلقی می‌گردد. همچنین مسئولیت‌پذیری بر پایه نظریه حکمرانی مطلوب[1] که با توجه به اصل ۱۷۴ قانون اساسی جمهوری اسلامی از طریق سازمان بازرسی کل کشور که کارکرد و هدف آن نظارت بر حسن جریان امور و اجرای صحیح قوانین در دستگاه‌های اداری است و اجرایی می‌شود، امکان تحقق اصل مسئولیت‌پذیری را در حقوق اداری ایران به عنوان اصلی مستقل، بررسی می‌نماید و ضمانت اجرای آن از قوانین، خصوصا از قانون رسیدگی به تخلفات اداری، استنباط می‌گردد.

1. Good Governance

نظریه حکمرانی مطلوب در حقوق اداری بر پایه شاخصه‌های:»حکومت قانون[1] و تصریح صلاحیت، مشارکت[2]، پاسخگویی، مسئولیت‌پذیری، کارآیی[3] و اثربخشی[4]، اجماع‌محوری[5]، شفافیت و عدالت جویی[6]» [7] در تشریح الزامات حقوقی و شرایط تحقق اصل مذکور، مؤثر واقع می‌گردد و نیز مفهوم حسن جریان امور که اجرای صحیح قوانین نیز ذیل آن قرار می‌گیرد، ظرفی آماده برای پذیرش مظروفی به نام اصل مسئولیت‌پذیری با کارویژه‌ای در راستای حسن جریان امور است. بنابراین کارکرد اصل مسئولیت‌پذیری در نظام اداری، اجرای صحیح قوانین، نه صرفاً اجرای نص قوانین، است. این کارکرد به افزایش کارآیی برای ایجاد نظام اداری صحیح، جلوگیری از اخلال و کندی در دیوان‌سالاری و تحقق حسن جریان امور در چارچوب قانون‌مداری می‌انجامد. در واقع، اصل مسئولیت‌پذیری مکمل اصل قانون‌مداری است.

روش پژوهش، توصیفی-تحلیلی و نوع آن، کیفی می‌باشد. توصیفی از آن جهت که منابع و اسناد مرتبط مورد بررسی قرار گرفته و داده‌های لازم برای پژوهش استخراج و طبقه‌بندی می‌شود. تحلیلی از آن جهت که داده‌های استخراجی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته و تبدیل به اطلاعات استخراجی جدید می‌شوند که با استفاده از آن، نظرات نگارنده در پژوهش ارائه می‌گردد.

شیوه گردآوری اطلاعات نیز به صورت کتابخانه‌ای-اسنادی می‌باشد و از کتب و منابع حقوقی مرتبط در حوزه اصول حقوقی و اصول حقوق اداری برای تبیین مفهومی اصل مسئولیت‌پذیری و همچنین قواعد مرتبط با این حوزه در حقوق اداری ایران، از جمله قانون اساسی جمهوری اسلامی، سیاست‌های کلی نظام اداری، قانون مدیریت خدمات کشوری، قانون تشکیلات دیوان و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری، مقالات، پایان‌نامه‌ها و رساله‌های مرتبط با این حوزه به عنوان ابزار گردآوری اطلاعات استفاده شده است.

1. Rule of Law
2. Participation
3. Effectivness
4. Efficiency
5. Consensus
6. Justice

۷. نقیبی مفرد، حسام، **حکمرانی مطلوب در پرتو جهانی شدن حقوق بشر**، تهران: شهر دانش، ۱۳۸۹، صص ۱۳۸-۱۳۵.

در خصوص پیشینه موضوع پژوهش مربوطه می‌توان به کتاب اصول حقوق اداری در پرتو آرای دیوان عدالت اشاره نمود که در آن به اصول حقوق اداری و خصوصا به اصول نوین حقوق اداری پرداخته‌اند؛ البته مطابق اشاره نویسندگان کتاب، این اثر بیشتر جنبه پیش‌درآمدی داشته و آغازی برای تحقیقات در این زمینه می‌باشد و به اصول مرتبط با مسئولیت‌پذیری در آن اشاره نموده که جرقه‌ای برای تبیین هر اصل به عنوان اثر پژوهشی مستقل می‌باشد و در راستای تبیین «حکمرانی مطلوب» نیز رساله و کتاب حقوق اداری تطبیقی اثر آقای دکتر هداوند، به طور غیرمستقیم و مستتر در آثار یادشده، به اصل مسئولیت‌پذیری اشاره داشته.

همچنین در رساله با موضوع "مفهوم و قلمرو اصول حقوق اداری و بررسی آن در رویه قضایی دیوان عدالت اداری" اثر آقای دکتر پتفت نیز علاوه بر تبیین مفهوم و قلمرو اصول حقوق اداری، به بررسی رویه‌ای آن در دیوان عدالت اداری پرداخته است و اشاره کوتاه به اصول نوین حقوق اداری به تفکیک داشته است، از جمله به اصل مسئولیت‌پذیری.

پژوهش پیش‌رو، با تفاوت پایه‌ای نسبت به آثار مذکور در صدد است با تبیین اصل مسئولیت‌پذیری، بطور خاص تحقق آن را در حقوق اداری ایران امکان‌سنجی نماید که با بررسی حقوق اداری ایران و بطور خاص نمونه‌های مربوطه در قوانین و آرای دیوان عدالت اداری، جنبه کاربردی نیز پیدا می‌کند و مؤید حقوق زنده می‌باشد که نکات ذکر شده، وجوه افتراق پژوهش پیش‌رو با دیگر آثار یادشده در گذشته است.

ساختار این پژوهش نیز به دو گفتار تقسیم شده که در گفتار یکم، مفهوم و مبانی مسئولیت‌پذیری در دو بند مجزا بررسی می‌شود. سپس در گفتار دوم به بررسی مسئولیت‌پذیری در حقوق اداری ایران که بخش عمده پژوهش می‌باشد، پرداخته می‌شود. این گفتار در پنج بند، مسئولیت‌پذیری را در قانون اساسی، سیاست‌های کلی نظام اداری، قوانین، رویه قضایی دیوان عدالت اداری و در نهایت ذیل تشریح حسن جریان امور در اصل ۱۷۴ قانون اساسی به عنوان محل استقرار اصل مسئولیت‌پذیری، بررسی می‌نماید.

گفتار نخست. مفهوم و مبانی مسئولیت‌پذیری

در این گفتار، به تبیین مفهوم مسئولیت‌پذیری و عناصر تشکیل‌دهنده آن برای تشخیص مبانی این اصل، پرداخته می‌شود.

بند نخست. مفهوم مسئولیت‌پذیری

اصل مسئولیت‌پذیری در حقوق اداری، ضابطه کیفی اعمال اختیارات مقامات عمومی می‌باشد، در این معنا که وجود نقص و سهل‌انگاری در انجام وظایف از سوی مقام عمومی موجب کاهش کیفیت خدمت عمومی مورد درخواست ذی‌نفعان می‌شود.[1] این اصل در ارتباط با اصول دیگر به عنوان شاخص‌های سنجش این معیار کیفی مانند اصل ملاحظات مرتبط برای ارائه خدمت عمومی در تناسب و بالاترین کیفیت نسبت به خواسته ذی‌نفعان، ارائه خدمات عمومی به شهروندان در چارچوب زمانی معقول و به دور از تأخیر[2] و اعمال آن از طریق دریافت پیشنهادها و مشارکت شهروندان برای بکارگیری اختیارات و انجام وظایف در قبال شهروندان می‌باشد.[3]

این اصل باعث می‌شود که افراد و نهادهای اداری مسئولیت خود را در قبال تصمیمات و اقدام‌های خود ادراک نمایند و برای تثبیت نظام اداری صحیح بستر لازم را ایجاد کنند.[4] مسئولیت‌پذیری در حقوق اداری می‌تواند از طریق تدابیر قانونی و سیاست‌های سازمانی ترویج یابد. همچنین، ایجاد فرهنگ سازمانی پاسخگویی و تشویق افراد به مشارکت و تعامل مؤثر نیز می‌تواند در تقویت مسئولیت‌پذیری در حقوق اداری مؤثر باشد.[5]

---

1. Roberts v. Hopwood, 1925, AC 578, available at: **https://swarb.co.uk/roberts-v-hopwood-hl-1925**.

2. See Case C-96/82 IAZ v Commission, 1983, ECR 3369, available at: **https://eurlex.europa.eu/legal-content/EN/TXT/?uri=CELEX%3A61982CJ0096**.

3. Douglas, Roger, "**Administrative Law and Good Governance**", in Preston, Noel and Sampford, Charles (eds.), Public Sector Ethics: Finding and Implementing Values, New York, Routledge, 2012, p. 122.

4. Kask, Oliver, Eide, Asbjorn, **Draft report on the notions of "Good Governance" and "Good Administration"**, Venice Commission, 2009, pp. 16-18.

5. Romzek, Barbar. S "**Dynamics of Public Sector Accountability in Area of Reform**," International Review of Administrative Sciences ,Vol 66, Nol,2000، p. 8-9.

برای اداره، مطلوب است تا برای سطوح بالاتر رضایت ارباب‌رجوع از اعمال اصل مسئولیت‌پذیری تلاش کند؛ برای مثال تلاش کند تا اداره و شعب آن در نزدیکی ایستگاه‌های وسائل نقلیه حمل و نقل عمومی باشد تا دسترسی به اداره تا جایی که امکان دارد؛ برای شهروندان با سهولت همراه شود. همچنین ارائه خدمات الکترونیکی از طریق اینترنت نیز جنبه‌ای دیگر از اعمال مسئولیت‌پذیری در قبال شهروندان می‌باشد که نیازمند توسعه اینترنت از طریق فراهم‌سازی زیرساخت‌های لازم است.[1]

بند دوم. عناصر مسئولیت‌پذیری

اصل ملاحظات مرتبط[2] و دقت[3] به عوامل تابعه و اجتناب از مسائل غیرمرتبط[4] از شاخصه‌های مسئولیت‌پذیری می‌باشد. مقامات دولتی باید در هرگونه اتخاذ تصمیم و اقدام مقتضی، ملاحظات مرتبط با موضوع تصمیم را در نظر گرفته باشند.[5] هنگامی که صلاحیتی به مقام دولتی اعطا می‌شود، در واقع وی ملکف می‌گردد که آن مسئولیت را به نحو شایسته انجام دهد و عدم ملاحظه مسائل مرتبط و حیاتی تصمیم، به منزل نقض و سهل‌انگاری در انجام تعهد می‌باشد.[6]

در اجتناب از مسائل غیرمرتبط، مقام اداری بر آن است تا از به‌کارگیری قواعد نامربوط به پرونده و تصمیم‌گیری بدون توجه به نیازهای ارباب رجوع، اجتناب ورزد. در واقع تصمیم‌گیری، لزوما منطبق با قوانین نیست، اما مغایر با آن نیز نمی‌باشد و مقام اداری با در نظر گرفتن اوضاع و احوال پرونده، در کنار قوانین و مقررات، تصمیم می‌گیرد که نتیجه این امر، توجه به واقعیات، دقت به عوامل مرتبط، اجتناب از مسائل غیرمرتبط و کارآمدی اداره و پاسخ متناسب به ارباب رجوع می‌باشد که ارتباط تنگ اصل فوق را با مسئولیت‌پذیری در حقوق اداری نشان می‌دهد.

---

1. Barry D. Friedman, **Responsiveness**, See at: http://faculty.ung.edu/bfriedman/studies/respon.htm

2. Relevant Considerations

3. Care

4. Irrelevant Considerations

5. Neil, Parpworth, **Constitutional and Administrative Law**, Oxford University Press, 2012, p. 83.

6. Groves, Matthew, **Modern Administrative Law In Australia Concepts and Contex**, Cambridge University Press, 2012, P. 80.

در پرونده «Öneryildiz v. Turkey(2004)»[1]، دیوان اروپایی حقوق بشر اصل ملاحظات مرتبط را رعایت کرد. در تصمیم خود، دیوان به دقت به اطلاعات و ملاحظاتی که در ارتباط با موضوع پرونده بودند، توجه کرد. در این پرونده، دیوان اروپایی حقوق بشر به تعامل ناکارآمد دولت ترکیه در پیشگیری از سقوط ساختمان و نقض اصل مسئولیت‌پذیری توجه کرد. دیوان با بررسی موارد و شواهد مربوطه، به نتیجه رسید که دولت ترکیه به طور ناکارآمد به وظایف خود عمل نکرده است.

در پرونده دیگری نیز با عنوان «Budayeva and Others v. Russia (2008)»[2]، دیوان اروپایی حقوق بشر به تعامل ناکارآمد و عدم پاسخگویی دولت روسیه در برابر یک طوفان سیلاب و تأثیرات ویرانگر آن بر روستاها و شهروندان محلی توجه کرد. بنابراین دیوان تصمیم گرفت که با آن احراز نقض اصل ملاحظات مرتبط توسط روسیه، به اصل مسئولیت‌پذیری خود نسبت به حفظ حقوق شهروندان عمل نکرده است.

اصل سرعت در پاسخگویی(ممنوعیت تأخیر متعارف و معقول)[3] از معیارهای کارآمدی اداره و از اصول اداره مطلوب است. بر این اساس هر کسی حق دارد تا تقاضایش در فرآیند رسیدگی اداری به نحوی کافی و مناسب و در سریع‌ترین و کوتاه‌ترین زمان ممکن رسیدگی بشود.[4] این اصل نیز از شاخصه‌های مسئولیت‌پذیری می‌باشد. در حقوق اداری، مفاهیم "مدت زمان متعارف" و "مدت زمان معقول" به دو جنبه مختلف از زمان‌بندی و پاسخگویی اشاره دارند:

مدت زمان متعارف: این مدت زمان بر اساس تجارب گذشته و رویه‌های موجود تعیین می‌شود و ممکن است بسته به نوع پرونده یا درخواست متفاوت باشد. به عبارت دیگر، "مدت زمان متعارف" به زمان‌هایی اشاره دارد که به‌طور استاندارد در فعالیت‌های اداری یا قضایی پذیرفته شده است.

مدت زمان معقول: این مفهوم به زمانی اشاره دارد که با توجه به شرایط خاص یک پرونده و الزامات خاص آن، باید در نظر گرفته شود. در اینجا، "معقول" به معنای منطقی و منطقی بودن

1. Case of Öneryildiz v. Turkey , ECHR, 2004, See at https;//hudoc.echr.coe.int/fre?i=001-67614

2. Case of Budayeva and Others v. Russia , ECHR, 2008, See at https;//hudoc.echr.coe.int/fre?i=001-85436

3. Time Limits

۴. هداوند، مهدی و علی مشهدی، **اصول حقوق اداری (در پرتو آراء دیوان عدالت اداری)**، تهران: خرسندی، چاپ چهارم، ۱۳۹۵، ص ۱۸۹.

زمان پاسخگویی است، که ممکن است بسته به شرایط خاصی مانند پیچیدگی موضوع، حجم درخواست‌ها و منابع در دسترس متفاوت باشد.[۱]

باید توجه داشت که عدم رعایت اصل سرعت در پاسخگویی و رعایت محدوده زمانی متعارف و معقول در پاسخگویی به ذی‌نفعان و اربابان رجوع ممکن است زمینه ساز نقض حقوق شهروندان و علاوه بر اتلاف وقت، موجب اطاله در رسیدگی‌های اداری شود.[۲]

چند پرونده کلیدی مرتبط با اصل سرعت در پاسخگویی در دیوان اروپایی حقوق بشر که به تأخیرهای غیرموجه نهادهای دولتی یا سیستم قضایی پرداخته‌اند، عبارتند از:

۱. پرونده «Kudła v. Poland" (2000)»

در این پرونده، دیوان اروپایی حقوق بشر به نقض ماده ۶ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر (حق دادرسی عادلانه) به دلیل تأخیرهای طولانی در فرایند قضایی در لهستان پرداخت. شاکی مدعی بود که این تأخیرها حقوق او برای دریافت پاسخی به‌موقع از سیستم قضایی را نقض کرده است. دیوان نتیجه گرفت که تأخیرهای غیرموجه می‌تواند ناقض اصل سرعت در پاسخگویی و اصل مسئولیت‌پذیری باشد، زیرا افراد حق دارند در زمان معقولی به پرونده‌هایشان رسیدگی شود.[۳]

۲. پرونده «Bąkowska v. Poland" (2008)»

در این پرونده، شاکی از طولانی شدن فرایند اجرایی در دادگاه‌های لهستان شکایت کرد. دیوان اروپایی حقوق بشر با استناد به ماده ۶ کنوانسیون، تأکید کرد که تأخیرهای غیرمنطقی در فرایند قضایی نقض حق دادرسی عادلانه است. این پرونده نشان می‌دهد که سرعت در پاسخگویی نهادهای اداری و قضایی نقش مهمی در رعایت اصول مسئولیت‌پذیری دارد.[۴]

---

۱. هداوند، مهدی و داود کاظمی، «**تأملی بر اصول مدرن حقوق اداری در قانون مدیریت خدمات کشوری، (تحلیل ماده ۹۰ قانون مدیریت خدمات کشوری)**»، **فصلنامه راهبرد**، سال بیست و دوم، شماره ۶۷، تابستان ۱۳۹۲، ص ۷۱.

۲. هداوند، مهدی و علی مشهدی، **اصول حقوق اداری (در پرتو آراء دیوان عدالت اداری)**، همان، ص۱۹۰.

3. Case of «Kudła v. Poland" (2000), ECHR.

4. Case of «B kowska v. Poland" (2008), ECHR.

اصل گشایش[1] بر پایه نظریه "اداره عمومی گشاده"[2] پدیدار گشته است.[3] این نظریه بر اهمیت مشارکت فردی(عمومی) در تصویب آیین‌نامه‌های اجرایی و دسترسی به عموم به کلیه اطلاعات مربوط به عملیات اداره عمومی تأکید می‌کند. و چارچوبی برای اداره عمومی بازتر، پاسخگوتر و شفاف‌تر ایجاد می‌کند که امور عمومی را با نهایت رعایت مسئولیت‌پذیری به پیش می‌برد.[4]

چند پرونده کلیدی در دیوان اروپایی حقوق بشر به اصل گشایش و شفافیت در رابطه با مسئولیت‌پذیری پرداخته‌اند. این پرونده‌ها معمولاً به نقض ماده ۱۰ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر (حق آزادی بیان و دسترسی به اطلاعات) مربوط می‌شوند. در زیر به برخی از این پرونده‌ها اشاره می‌شود:

۱. پرونده «(2009) "Társaság a Szabadságjogokért v. Hungary»

این پرونده درباره دسترسی به اطلاعات عمومی است. یک سازمان غیرانتفاعی در مجارستان درخواست دسترسی به اسنادی را داشت که به مسائل عمومی مربوط می‌شد. مقامات دولتی این درخواست را رد کردند. دیوان اروپایی حقوق بشر با استناد به ماده ۱۰ کنوانسیون اعلام کرد که دسترسی به اطلاعات عمومی بخشی از آزادی بیان است و باید به شهروندان و نهادهای عمومی اجازه داده شود که به اسناد دولتی مرتبط با مسائل عمومی دسترسی داشته باشند. این پرونده نشان می‌دهد که گشایش و شفافیت برای تضمین مسئولیت‌پذیری ضروری است. [5]

۲. پرونده «(2013) "Youth Initiative for Human Rights v. Serbia»

در این پرونده، یک سازمان غیرانتفاعی درخواست دسترسی به اطلاعات مربوط به فعالیت‌های نظارتی دولت را داشت، اما مقامات دولتی این درخواست را رد کردند. دیوان اروپایی حقوق بشر

1. Openness

2. Open Public Administration

۳. بیدار، زهرا، مشهدی، علی، دبیرنیا، علیرضا، **تأملی بر جایگاه و آثار اصل گشایش در حقوق اداری مدرن**، فصلنامه حقوق اداری، سال نهم، شماره ۲۹، زمستان ۱۴۰۰، ص ۱۲.

4. Bugaric, Bojan, **Openness and Transparency In public administration: challenges for Public Law**, Wisconsin Journal of International law,22, 2004, p. 486.

5. Case of «Társaság a Szabadságjogokért v. Hungary" (2009), ECHR.

دوباره با استناد به ماده ۱۰ اعلام کرد که حق دسترسی به اطلاعات عمومی بخشی از آزادی بیان است. دیوان تأکید کرد که دسترسی آزاد به اطلاعات باعث می‌شود نهادهای دولتی در قبال عملکرد خود پاسخگو باشند و این شفافیت نقش مهمی در حفظ مسئولیت‌پذیری دارد.[1]

گفتار دوم. مسئولیت‌پذیری در حقوق اداری ایران

در حقوق اداری ایران، مسئولیت‌پذیری می‌تواند نقشی کلیدی در افزایش کارایی نظام اداری ایفا نماید؛ چرا که این اصل با تأکید بر محورهای: «کیفیت بالای خدمت‌رسانی به شهروندان.»، «جلوگیری از کندی و پیچیدگی‌های دیوان‌سالاری» و «ایفای نقش در حسن جریان امور و نظارت بر اجرای صحیح قوانین.» در آیینه قانون اساسی، سیاست‌های کلی نظام اداری، قوانین عادی و رویه قضایی نمایان گشته است و خاصه در مفهوم حسن جریان امور در اصل ۱۷۴ قانون اساسی نمایان می‌گردد.

بند نخست. اصل مسئولیت‌پذیری در قانون اساسی

در مقدمه قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مصوب سال۱۳۵۸ که در سال ۱۳۶۸ اصلاح گردید، در ذیل قوه مجریه، به صورت ابتدایی برای چابک‌سازی و کارآمدی بیشتر نظام اداری، صحبت از طرد پیچیدگی‌های بوروکراسی و تلاش برای کارآمدی و سرعت بیشتر در راستای اجرای تعهدات اداری می‌نماید که این هدف‌گذاری به اجرای صحیح و به نحو احسن قوانین و نتیجتاً ارائه خدمت عمومی[2] مطلوب به شهروندان می‌انجامد، بنابراین برای رسیدن به این مهم، بکارگیری اصل مسئولیت‌پذیری اجتناب‌ناپذیر می‌باشد. در مقدمه قانون اساسی، راه برای حضور اصل مسئولیت‌پذیری باز شده است.[3] در ادامه در بند ۱۰ اصل ۳ قانون اساسی، صحبت از ایجاد نظام اداری صحیح و حذف

1. Case of «Youth Initiative for Human Rights v. Serbia" (2013), ECHR.

2. Public Service

۳. قوه مجریه به دلیل اهمیت ویژه‌ای که در رابطه با اجرای احکام و مقررات اسلامی به منظور رسیدن به روابط و مناسبات عادلانه حاکم بر جامعه دارد و همچنین ضرورتی که این مسئله حیاتی در زمینه‌سازی وصول به هدف نهایی حیات خواهد داشت بایستی راهگشای ایجاد جامعه اسلامی باشد نتیجتاً محصور شدن در هر نوع نظام دست و پاگیر پیچیده که وصول به این هدف را کند و یا خدشه‌دار کند از دیدگاه اسلامی نفی خواهد شد بدین جهت نظام بوروکراسی که زاییده و حاصل حاکمیت‌های طاغوتی است به شدت طرد خواهد شد تا نظام اجرایی با کارایی بیشتر و سرعت افزون تر در اجرای تعهدات اداری بوجود آید.

تشکیلات غیرضرور می‌گردد. این بند، از مهم‌ترین مستندات اصل مسئولیت‌پذیری و یکی از وظایف دولت می‌باشد و از دو جزء تشکیل شده است که به طور مستقل قابل بررسی می‌باشند:

جزء اول این بند، به اصول و ارزش‌های ماهوی و محتوایی نظام اداری و غایاتی که نظام اداری باید دنبال کند، اشاره دارد و جزء دوم به ساختار شکلی نظام اداری و قلمرو فعالیت و نفوذ دولت در جامعه و مناسبات اجتماعی و اقتصادی تأکید کرده است و این دو جزء مکمل و مقوم یکدیگر هستند. نظام اداری صحیح یک عبارت کلی است که متضمن بسیاری از ارزش‌های فوق در قانون اساسی می‌باشد و نباید آن را در حد مفاهیمی همچون مبارزه با کاغذبازی که برداشت منفی از بوروکراسی و دیوان‌سالاری است، فروکاست و تنزل داد؛ چراکه در این‌صورت جدای از عدم اجرای صحیح قوانین، مفاهیمی همچون قانون‌شکنی خیرخواهانه و اصل قانون‌مداری در اعمال اداری را نیز ذبح نموده و محملی برای برقراری اصل مسئولیت‌پذیری باقی نمی‌ماند.[1]

یکی از تکالیف مهمی که قانون اساسی برای دولت پیش‌بینی کرده «ایجاد نظام اداری صحیح و حذف تشکیلات غیرضرور» می‌باشد.[2] در نگاه اول، کلمه «حذف» ماهیت سلبی دارد، اما منظور این است که اساساً ماهیت و قلمرو حضور و مداخلات دولت باید به گونه‌ای باشد که دولت، دولت حداقلی باشد و در حد ضرورت و نه بیشتر. کوچک و چابک بودن و در عین حال کارآمد و پاسخگو بودن، هدف است. در واقع چابکی به سرعت در ارائه خدمات می‌انجامد[3] و یکی از پایه‌های استقرار مسئولیت‌پذیری در نظام اداری می‌باشد و توجه به حذف تشکیلات غیرضرور از این باب اهمیت می‌یابد.

باید توجه داشت که حذف تشکیلات غیرضرور از منظر فوق با بحث ادغام سازمان‌ها و وزارتخانه‌ها متفاوت بوده، چراکه امر اخیر صرفا در جهت صرفه‌جویی در هزینه‌های دولت بوده و در کارآمدی و

---

۱. هداوند، مهدی، **تأملی در مفهوم «ایجاد نظام اداری صحیح و حذف تشکیلات غیرضرور» در بند ۱۰ اصل سوم قانون اساسی**، قابل دسترسی در:
https://www.ghazavatonline.com/38302/contemplation-concept-of-creating-a-proper-administrative-system/
رؤیت شده در ۲ مرداد ۱۴۰۲.

۲. فرکیش، هانه، **نظام اداری صحیح؛ مبانی، مؤلفه‌ها و راهکارها**، همان، صص ۱۲۹-۱۲۷.

۳. هداوند، مهدی، **تأملی در مفهوم «ایجاد نظام اداری صحیح و حذف تشکیلات غیرضرور» در بند ۱۰ اصل سوم قانون اساسی**، همان، رؤیت شده در ۲ مرداد ۱۴۰۲.

کارشناسی بودن آن ابهام وجود دارد. تفکیک، ادغام و طراحی وزارتخانه‌های جدید معلول مدیریت هزینه‌های عمومی و بهتر ساختن حکمرانی ملی است. در این نگاه منطق توجیه کننده بازآرایی دولت، مدیریتی است و نه سیاسی. مدیریت ملی در این منطق با تمرکز بر ظرفیت‌ها از یک طرف در کاهش هزینه‌ها و بار مالی می‌کوشد و از طرف دیگر تلاش می‌کند دستگاه دولت را به گونه ای مدیریت کند که اهداف کلان دولت بر اساس غایات مندرج در قانون اساسی محقق شود.[1] در نتیجه، علاوه بر کاهش بار مالی دولت، چابک‌سازی و افزایش کارآمدی آن نیز باید هدف ادغام‌ها باشد، در غیر این‌صورت اختلال در امور دولت رخ می‌دهد.

مستند دیگر مسئولیت‌پذیری در قانون اساسی، بند ۳ اصل ۱۵۶ می‌باشد. جایی که قوه قضائیه به عنوان قوه‌ای مستقل برای پشتیبانی از حقوق فردی و اجتماعی و مسئولیتش در تحقق عدالت عهده‌دار نظارت بر حسن اجرای قوانین است که در اصل ۱۷۴[2] معین شده این وظیفه بر عهده سازمان بازرسی کل کشور می‌باشد. نظارت بر حسن اجرای قوانین، جایی برای اعمال مسئولیت‌پذیری است که موجب اجرای صحیح قوانین می‌شود. از غایات اصل مسئولیت‌پذیری، اجرای صحیح قوانین یعنی به نحو مطلوب آن است؛ نه اینکه صرفا قوانین اجرا شده و رفع تکلیف از مأموران صورت بگیرد. اجرای صحیح یعنی اجرای بیشینه امور بر مبنای قوانین و بدیهی است که با اجرای کمینی و رفع تکلیف، تفاوت دارد و در راستای ایجاد نظام اداری صحیح می‌باشد.

بند دوم. اصل مسئولیت‌پذیری در سیاست‌های کلی نظام اداری

سیاست‌های کلی نظام اداری ابلاغی سال ۱۳۸۹ به‌عنوان منبعی برای تحقق اصل مسئولیت‌پذیری در حقوق اداری ایران می‌باشد. این سیاست‌ها در ۲۶ بند در تاریخ ۱۳۸۹.۰۱.۳۱ ابلاغ گردید. بندهای ۱۱، ۱۲، ۱۵، ۱۷، ۱۹، ۲۱ و ۲۴ این سیاست‌ها محلی برای اعمال مسئولیت‌پذیری است. بندهای ۱۱، ۱۲، ۱۵ و ۱۷ اشاره به ارائه خدمات به نحو مطلوب و حداکثری می‌باشد که واکنش‌دهی و سرعت مناسب اداره برای ارائه خدمات

---

۱. دانایی‌فرد، حسن، **تفکیک، ادغام و طراحی وزارتخانه‌های جدید در ایران: تحلیلی نظری**، پژوهش‌های مدیریت منابع انسانی، دوره دوم، شماره ۴، ص ۹۵.

۲. بر اساس حق نظارت قوه قضاییه نسبت به حسن جریان امور و اجرای صحیح قوانین در دستگاه‌های اداری، سازمانی به نام «**سازمان بازرسی کل کشور**» زیر نظر رئیس قوه قضاییه تشکیل می‌گردد. حدود اختیارات و وظایف این سازمان را قانون تعیین می‌کند.

عمومی را مورد توجه قرار می‌دهد و در کنار آن ارتقای دقت و کیفیت خدمات را نیز مد نظر دارد که برای نیل به این اهداف، یکی از برجسته‌ترین کارها، ورود مفاهیمی است که بتواند بندهای مذکور را شرح دهد تا مقامات نسبت به چگونگی عملی نمودن آن ها آگاهی یابند و اصل مسئولیت‌پذیری حلقه مفقوده این موضوع می‌باشد که بنا به این بندها امکان اعمال آن وجود دارد. بند ۱۹ می‌تواند با شرکت مردم و استفاده از نظرات آن ها در تدوین آیین‌نامه‌های اجرایی و هم‌چنین نظارت آنان بر اداره همراه گردد که شرایط را برای ارائه خدمات بهتر به شهروندان فراهم نموده و محلی برای استقرار اصل مسئولیت‌پذیری می‌گردد. بند ۲۱ استفاده از فرهنگ‌سازی‌هایی برای رسیدن به غایت ارائه خدمات مطلوب و اجرای صحیح قوانین را مد نظر قرار می‌دهد که راهی برای استقرار مسئولیت‌پذیری است. بند ۲۴ نیز در ادامه بند ۲۱ و بکارگیری رشته فرهنگ‌سازی‌ها می‌باشد. اقدامات معهود در بند ۲۴، رسیدن به نقطه مطلوب نظام اداری را در نظر می‌گیرد که اصل مسئولیت‌پذیری نیز ذیل همین امر قرار گرفته و استفاده از آن برای نیل به نظام اداری مذکور، اجتناب‌ناپذیر است که اصول کلی حقوقی و خصوصا اصول نوین اداری، جایگاهی برای بکارگیری اصل مسئولیت‌پذیری می‌باشد. چنانچه در سیاست‌های کلی نظام اداری مشاهده می‌شود، این سیاست‌ها توانایی جهت‌دهی به نظام اداری برای بکارگیری مفاهیم نوین حقوق اداری از جمله مسئولیت‌پذیری را دارد.

بند سوم. اصل مسئولیت‌پذیری در قوانین

در راستای ارتقای سلامت اداری که یکی از شاخص‌های آن اعمال اصل مسئولیت‌پذیری می‌باشد، تبصره ۱ ماده ۸ قانون مبارزه با فساد اداری و ارتقای سلامت اداری مصوب سال ۱۳۹۰، منبعی برای اعمال اصل مسئولیت‌پذیری می‌باشد.

همچنین اعمال اصل مسئولیت‌پذیری به‌جهت ارتقای سلامت اداری و نه مبارزه با فساد می‌باشد، چرا که فساد، از نقض قوانین می‌آید اما اصل مسئولیت‌پذیری فراتر از اجرای قوانین و اجرای حداکثری و مطلوب قوانین را مد نظر دارد.

دیگر منبع قانونی برای مسئولیت‌پذیری، قانون مدیریت خدمات کشوری است. مواد ۱۹، ۲۵، ۲۷، ۲۸، ۳۶، ۳۷ و ۳۹ قانون مدیریت خدمات کشوری مصوب سال[1] ۱۳۸۶، مستندات قانونی برای اعمال اصل مسئولیت‌پذیری

۱. قانون مدیریت خدمات کشوری مصوب سال ۱۳۸۶، مشاهده در:
https://rc.majlis.ir/fa/law/show/130021

می‌باشند. ماده ۱۹، مصداق عبارت ایجاد نظام اداری صحیح در بند ۳ اصل ۱۱۰ قانون اساسی و مستندی برای اعمال اصل مسئولیت‌پذیری در جهت ارتقای کیفیت خدمات و مطلوبیت آن می‌باشد. ماده ۲۵، الزام بر ارائه خدمات و اجرای وظایف قانونی به صورت صحیح و حداکثری را در نظر دارد و مستندی برای تحقق اصل مسئولیت‌پذیری است. ماده ۲۷، جایگاهی توأمان برای اعمال مسئولیت‌پذیری و پاسخگویی می‌باشد، چراکه وظیفه دستگاه‌های اجرایی برای تعیین استانداردهای ارائه خدمات به شهروندان را در نظر می‌گیرد و موجب می‌شود تا ارائه خدمات، ذیل آن استانداردها حتی اگر مبنای قانونی داشته باشد، مورد ایراد قرار بگیرد، چراکه مسئولیت‌پذیری نقض گشته است و در ادامه نیز در برابر بروز هرگونه تخلف، دستگاه‌های اجرایی را ملزم به پاسخگویی به مردم می‌داند. ماده ۲۸، ضمانت اجراهایی برای تضمین ارائه خدمات مطلوب به مردم را در نظر می‌گیرد تا بدین نحو مسئولیت‌پذیری اعمال گردد. این ماده بکارگیری فرآیندها و روش‌های انجام کار متناسب را برای سرعت، دقت و کیفیت حداکثری امور و ارائه خدمات عمومی به شهروندان را مد نظر قرار داده که در راستای اعمال مسئولیت‌پذیری می‌باشد. همچنین در جهت اجرای ماده ۳۶، مصوبه‌ای از سوی شورای عالی اداری که تشکیل آن مستند به ماده ۱۱۴ قانون مدیریت خدمات کشوری می‌باشد، تحت عنوان «مصوبه شورای عالی اداری در خصوص بهبود فرآیندها در دستگاه‌های اجرایی و افزایش بهره وری» مصوب ۱۳۹۰.۰۹.۲۳ وجود دارد که مواد ۱، ۲، ۴، ۵ و ۶ آن مرتبط با ماده ۳۶ بوده؛ فلذا این مصوبه نیز در راستای پیاده‌سازی دولت الکترونیک و سرعت دادن به خدمت عمومی، به موجب ماده ۳۶ قانون مدیریت خدمات کشوری، برای استقرار مسئولیت‌پذیری است. ماده ۳۶، گامی برای افزایش سرعت، دقت و کیفیت ارائه خدمات می‌باشد و اجرای حداکثری و صحیح قوانین را موجب می‌شود که مستندی برای مسئولیت‌پذیری می‌باشد. ماده ۳۷ نیز به تسریع و سهولت ارائه خدمات به مردم و اعمال مسئولیت‌پذیری پرداخته است و مستندی برای این اصل می‌باشد که دستورالعمل اجرایی آن نیز نکات مرتبط برای اجرای این ماده را تحت عنوان «آیین‌نامه توسعه خدمات الکترونیکی دستگاه‌های اجرایی» مصوب ۱۳۹۳.۰۴.۱۰ توسط شورای عالی اداری، ابلاغ نموده است که هدف آن تسریع خدمات‌رسانی به مردم و افزایش کیفیت خدمات در راستای حفظ کرامت آنان می‌باشد.

تکیه بر استقرار، تکمیل و توسعه دولت الترونیک، در برنامه‌های گذشته توسعه و همچنین در برنامه هفتم توسعه نیز با تأکید بر التکرونیکی نمودن خدمات قضایی، پابرجاست که البته در عرصه عمل با چالش روبرو می‌باشد.

قانون رسیدگی به تخلفات اداری مصوب سال ۱۳۷۲، دیگر منبع قانونی به عنوان ضمانت اجرای اصل مسئولیت‌پذیری در حقوق اداری ایران می‌باشد که در آن تخلفات اداری و جرایم اداری که با عنوان تنبیهات اداری در ماده ۹ آمده است، احصاء گردیده است. تخلفات اداری در ماده ۸ قانون رسیدگی به تخلفات اداری ذیل ۳۸ بند فهرست شده است. بند ۳ ماده ۸ یکی از تخلفات اداری را «ایجاد نارضایتی در ارباب رجوع یا انجام ندادن یا تأخیر در انجام امور قانونی آنها بدون دلیل» بر می‌شمرد. اصل مسئولیت‌پذیری ذیل این بند جای می‌گیرد. چراکه این بند حسن جریان امور را در دستگاه‌های اداری، با اختلال مواجه می‌سازد و سرعت، دقت و کیفیت خدمت عمومی را کاهش می‌دهد و اجرای قانون را از اجرای صحیح و حداکثری آن به نفع شهروندان، دور می‌کند.

ماده ۹ ضمانت اجراهای ۱۱ گانه در قبال نقض اصل مسئولیت‌پذیری را که ذیل بند ۳ ماده ۸ قانون فوق‌الذکر قرار می‌گیرد، ذکر نموده است، اما واضح است، این ضمانت اجراها که به ترتیب تا شدیدترین ضمانت اجرا یعنی انفصال دائم از خدمات دولتی، مرتب گشته‌اند، همگی متناسب با نقض اصل مسئولیت‌پذیری نیستند.

اصول دادرسی عادلانه و هم‌چنین دو اصلی که در حقوق جزا دیده می‌شود و در حقوق اداری نیز قابلیت استفاده دارد، چراکه به دادرسی عادلانه کمک می‌رساند و بنای اصلی دادرسی می‌باشد، یعنی اصل قانونی بودن جرم و مجازات که در حقوق اداری، قانونی بودن تخلف و جریمه و تنبیه می‌شود و اصل تناسب بین جرم و مجازات که در حقوق اداری تناسب بین تخلف اداری و جریمه و تنبیه اداری می‌شود، اقتضا می‌کند که قانون دقیقا مشخص کند کدام تخلف چه تنبیهی به دنبال دارد.

این موضوع در مواد ۸ و ۹ قانون رسیدگی به تخلفات اداری رعایت نشده و در عین وجود ضمانت اجرا برای نقض اصل مسئولیت‌پذیری، امکان نفوذ سلایق شخصی مراجع رسیدگی کننده در صدور حکم وجود دارد که نقص مهم این ضمانت اجرای برجسته راجع به تخلفات اداری در حقوق اداری ایران را می‌رساند که باید با استفاده از اصول دادرسانی عادلانه و اصل قانونی بودن و اصل تناسب، حتی‌الامکان این خلأ پوشانده شود.

برای مثال نقض اصل مسئولیت‌پذیری نمی‌تواند شدیدترین ضمانت اجرا را داشته باشد و موجب انفصال دائم کارمند از خدمت دولتی بشود؛ چراکه با اصول دادرسانی عادلانه و اصل تناسب مغایرت

دارد. بنابراین بدین نحو، ضمانت اجرای اصل مسئولیت‌پذیری در حقوق اداری ایران با تمام نقاط ضعف و قوت خود، امکان شناسایی دارد.

بند چهارم. اصل مسئولیت‌پذیری در رویه قضایی دیوان عدالت اداری

رویه قضایی دیوان عدالت اداری به عنوان مهمترین منبع مولد اصول کلی حقوق اداری در ایران، در طول سالیان گذشته تاکنون و از میان آرای دیوان عدالت اداری مورد شناسایی قرار گرفته و تحکیم شده است. دیوان عدالت اداری با عنایت به بنیان ایجاد آن در اصل ۱۷۳ قانون اساسی و تجارب سالیان قبل و با استمداد از اصول قانون اساسی به‌خصوص فصل حقوق ملت، اصول کلی حقوق اداری را مورد شناسایی قرار داده و در این زمینه پیشرفت داشته است. با تأثیر دکترین و نویسندگان حقوق اداری بر آرای هیئت عمومی و ورود قضات متخصص حقوق عمومی به دیوان عدالت اداری، استفاده از اصول مدرن حقوق اداری روزافزون گردیده است.

در بحث بکارگیری اصل مسئولیت‌پذیری در آرای هیئت عمومی دیوان عدالت اداری به طور مستقل و مستقیم، همچنان فاصله وجود دارد و شاهد آن نیستیم اما استفاده از این اصل هر چند به طور غیرمستقیم در رویه هیئت عمومی مشهود است.

رأی شماره ۱۸۵[1] در سال ۱۳۸۶، با عدم توجه به شروط غیرمؤثر، موجبات ابطال بخشنامه را فراهم آورده تا در خدمت‌رسانی، خللی وارد نگردد و از این رو با اصل مسئولیت‌پذیری ارتباط پیدا می‌کند، چراکه یکی از شرایط احراز اصل مسئولیت‌پذیری، در قالب عدم توجه به موضوعات و شروط غیرمؤثر در اینجا رعایت شده است.

در رأی شماره ۳۸۲[2] در سال ۱۳۹۶ نیز عدم توجه به موضوعات غیرمرتبط، موجب ابطال مصوبه‌ای گشته که با ورود بار مالی به شهروندان، ارائه خدمت عمومی را مشروط می‌نمود، در حالی که

---

۱. هداوند، مهدی، مشهدی، علی، **اصول حقوق اداری در پرتو آرا دیوان عدالت اداری**، تهران: خرسندی، چاپ چهارم، ۱۳۹۵، ص۱۹۵، رأی شماره ۱۸۵ مورخ ۱۳۸۶.۰۳.۲۰ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری در خصوص ابطال بخشنامه شماره ۲۶۱۴/۱۶۰۲/۲ مورخ ۱۳۸۲.۰۸.۱۷ معاون طرح ها و برنامه های قوه قضائیه.

۲. رأی شماره ۳۸۲ هیئت عمومی دیوان عدالت اداری منتشرشده در سایت روزنامه رسمی کشور به نشانی: https://rc.majlis.ir/fa/law/show/1031508 رؤیت شده در ۱۳شهریور ۱۴۰۲. رأی شماره ۳۸۲ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری در خصوص ابطال ماده ۱۸ تعرفه عوارض و بهای خدمات سال ۱۳۹۲ مصوب شورای اسلامی شهر رشت به تاریخ ۱۳۹۶،۰۴،۲۷

ورود ایـن بـار مالـی مبنـای قانونـی نداشـت. بنابرایـن در رأی فـوق یکـی از شـاخص‌های اعمـال اصـل مسـئولیت‌پذیری احـراز می‌گـردد.

در رأی هیئـت عمومـی دیـوان عدالـت اداری بـه شـماره دادنامـه[1] ۹۹۰۹۹۷۰۹۰۵۸۱۰۵۲۵ و رأی شـماره[2] ۱۱۰۱ کـه هـر دو در سـال ۱۳۹۹ صـادر شـده اسـت، توجـه بـه موضوعـات مرتبـط بـا صلاحیـت کمیسـیون و عـدم تقیـد بـه موضوعـات غیرمرتبـط تأکیـد گردیـده و بـر همیـن مبنـا مصوبه‌ای کـه متضمـن برخـی محدودیت‌هـا بـرای تصـدی سـمت‌های مدیریـت در واحدهـای مرتبـط و مذکـور و وضـع عـوارض فاقـد مبنـای قانونـی، ابطـال گردیـد، چـرا کـه اعمـال محدودیـت نابجـا و غیرقانونـی، فضـای بکارگیـری افـراد کارآمـد بـرای ارائـه کیفیـت بهتـر در خدمـت عمومـی را محـدود می‌نمایـد و وضـع عـوارض غیرقانونـی، منفعـت و حقـوق شـهروندان را مـورد تجـاوز قـرار می‌دهـد. بنابرایـن ابطـال چنیـن مصوباتـی در جهـت احـراز اصـل مسـئولیت‌پذیری می‌باشـد.

در بررسـی رویـه قضایـی هیئـت عمومـی دیـوان عدالـت اداری در خصـوص بکارگیـری اصـل سـرعت در پاسـخگویی و ممنوعیـت تأخیـر متعـارف و معقـول نیـز از دهـه هشـتاد بـه بعـد، ممنوعیـت تأخیـر در احـراز شـرایط قانونـی در راسـتای ایفـای وظایـف محولـه بـه مقامـات و نهادهـا و همچنیـن جلوگیـری از اقـدام خـارج از زمـان مقـرر قانونـی و متعـارف، توجـه گردیـده اسـت کـه موجبـات کارآمـدی اداره و تسـریع ارائـه خدمـت عمومـی و اسـتقرار اصـل مسـئولیت‌پذیری را فراهـم مـی‌آورد.

در رأی شـماره ۸۶۳ و[3] ۸۶۴ هیئـت عمومـی دیـوان عدالـت اداری، دیـوان عدالـت اداری، درخواسـت مالـک بایـد در بـازه زمانـی معینـی از سـوی شـهرداری اجابـت شـده و ارائـه خدمـت بـه شـهروند صـورت بگیـرد وگرنـه

۱. رأی هیأت عمومی دیوان عدالت اداری به شـماره دادنامه ۹۹۰۹۹۷۰۹۰۵۸۱۰۵۲۵، منتشـر شـده در سـایت روزنامه رسمی کشور بـه نشـانی https://rc.majlis.ir/fa/law/show/1596154 رؤیـت شـده در ۱۳ شـهریور ۱۴۰۲. رأی هیئـت عمومـی دیوان عدالت اداری به شـماره دادنامه ۹۹۰۹۹۷۰۹۰۵۸۱۰۵۲۵، در خصوص ابطال مصوبه شـماره ۱ جلسـه شـماره ۲۹۴ـ۲۴/۶/۱۳۹۸ کمیسـیون تنظیم مقـررات ارتباطات به تاریـخ ۱۳۹۹،۰۴،۲۹

۲. رأی شماره ۱۱۰۱ هیئت عمومی دیوان عدالت اداری منتشر شده در سایت دیوان عدالت اداری به نشانی : https://divan-edalat.ir/aho-detail/14521 رؤیـت شـده در ۲۷ شـهریور ۱۴۰۲. رأی شـماره ۱۱۰۱ هیئـت عمومـی دیوان عدالت اداری بـا موضـوع «ابطـال ماده تعرفه عوارض و بهای خدمات شـهرداری شـهر سـمنان مربـوط به سـال ۱۳۹۹ و تبصره ۲ ماده ۴۷ تعرفـه عـوارض و بهای خدمات شـهرداری سـمنان مربوط به سـال ۱۳۹۹.

۳. هداونـد، مهدی، مشـهدی، علی، **اصـول حقوق اداری در پرتو آرا دیـوان عدالت اداری**، تهران:خرسـندی، چاپ چهارم، ۱۳۹۵، صـص ۱۹۲-۱۹۳ ، رأی شـماره ۸۶۴ ـ ۸۶۳ هیـأت عمومی دیوان عدالـت اداری در خصوص ابطال دسـتورالعمل نحوه اخذ عام المنفعه مصوب شـورای اسـلامی گرگان(کلاسـه پرونده ۸۷/۳۷۸، ۸۲/۱۰۰۳ نقل از روزنامه رسـمی ۱۸/۰۱/۱۳۸۸ ـ ۱۸۶۶۶).

آثار سوء احتمالی علیه شهرداری، قابل اعتراض از سوی این نهاد نیست. این رأی متضمن برقراری اصل مسئولیت‌پذیری در جهت پاسخ متناسب در زمان مناسب با پرونده می‌باشد. همچنین در رأی شماره ۲۶۴ الی ۲۸۷[۱] هیئت عمومی دیوان عدالت اداری، تأخیر یا عدم تأخیر ارسال تقاضا به هیئت ممیزه نافی حق مستخدم نیست و به سرعت باید به آن رسیدگی گردد و شرطی را معین نمی‌نماید. در این رأی تأخیر یا عدم تأخیر ارسال تقاضا به هیئت ممیزه نافی حق مستخدم نیست و به سرعت باید به آن رسیدگی گردد و شرطی را معین نمی‌نماید. رسیدگی به خواسته شهروند در این رأی متضمن تسریع معقول در پاسخگویی و تحقق اصل مسئولیت‌پذیری می‌باشد.

از اواخر دهه نود، رویه قضایی هیئت عمومی دیوان در جهت استقرار اصل مسئولیت‌پذیری، با عنایت به اصل گشایش، به مرحله نوینی وارد گشته و ضوابط احراز اصل مسئولیت‌پذیری از طریق رویه قضایی در حقوق اداری ایران، رو به کمال گذاشته است. رأی هیئت عمومی دیوان عدالت اداری به شماره دادنامه ۹۹۰۹۹۷۰۹۰۵۸۱۱۵۱۴ [۲] و آرای مشابه، از آن جهت که با در نظر گرفتن اصل شفافیت به عنوان یکی از ارکان اصل گشایش در جهت مشارکت شهروندان در امور دولتی، صادر شده است و اصل گشایش نیز یکی از ضوابط مدنظر و مطروحه در جهت احراز اصل مسئولیت‌پذیری می‌باشد، نگرشی نوین و مرتبط در جهت بکارگیری رویه قضایی به عنوان منبعی برای این اصل می‌باشد. همچنین رأی هیئت عمومی دیوان عدالت اداری به شماره دادنامه ۹۹۰۹۹۷۰۹۰۵۸۱۰۵۴۹ و ۹۹۰۹۹۷۰۹۰۵۸۱۰۵۵۰ [۳]

---

۱. رأی شماره ۲۶۴ الی ۲۸۷ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری منتشر شده در سایت روزنامه رسمی کشور به نشانی https:// rc.majlis.ir/fa/law/show/865317 رؤیت شده در۱۴ شهریور ۱۴۰۲. رأی شماره ۲۶۴ الی ۲۸۷ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری درباره عدم موضوعیت تأخیر یا عدم تأخیر در تشخیص و احراز شرایط متقاضیان توسط هیأت ممیزه.

۲. رأی شماره ۱۵۱۴ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری منتشرشده در سایت روزنامه رسمی کشور به نشانی .https://www rrk.ir/Laws/ShowLaw.aspx?Code=23027 رؤیت شده در ۱۶ مرداد ۱۴۰۲. «رأی هیأت عمومی دیوان عدالت اداری به شماره دادنامه ۹۹۰۹۹۷۰۹۰۵۸۱۱۵۱۴ مورخ ۲۳/۱۰/۱۳۹۹ با موضوع: ابطال ردیف‌های ۱، ۲ و ۳ بند (الف) دستورالعمل شماره ۴۸۲۵/۹۲/۱۰۰۰ ـ ۲۰/۵/۱۳۹۲ سازمان تأمین اجتماعی ناظر بر نحوه ارائه اطلاعات»

۳. رأی هیأت عمومی دیوان عدالت اداری به شماره دادنامه ۹۹۰۹۹۷۰۹۰۵۸۱۰۵۴۹ و ۹۹۰۹۹۷۰۹۰۵۸۱۰۵۵۰ ، منتشرشده در سایت روزنامه رسمی کشور به نشانی https://rc.majlis.ir/fa/law/show/1597064 رؤیت شده در ۱۵ شهریور ۱۴۰۲. رأی هیأت عمومی دیوان عدالت اداری به شماره دادنامه ۹۹۰۹۹۷۰۹۰۵۸۱۰۵۴۹ و ۹۹۰۹۹۷۰۹۰۵۸۱۰۵۵۰ در خصوص ابطال تصویب نامه های شماره ۱۳۶۳۵۳/۵۱۵۳۶ ـ ۱۲/۱۱/۱۳۹۳ و ۳۸۵۹۴/۵۶۷۱۲ ـ ۳/۴/۱۳۹۸ هیئت وزیران و مصوبه سی و پنجمین جلسه مورخ ۴/۸/۱۳۷۸ شورای اسلامی شهر تهران و مصوبات شماره ۱۹۹۲ ـ ۱۴/۱۰/۱۳۹۳، ۲۰۰۹ ـ ۸/۱۱/۱۳۹۳، ۲۰۲۱ ـ ۲۸/۱۱/۱۳۹۳، ۲۰۲۶

و آرای مشابه، رویه هیئت عمومی دیوان را در قبال اعمال اصل مسئولیت‌پذیری از طریق فعالیت مردم در شوراهای تقسیمات مختلف کشوری به صورت مستقیم و غیرمستقیم، مشارکت شهروندان در پیش‌روی امور عمومی را به نمایش می‌گذارد و نظارت مردمی را به دنبال دارد، چراکه در صورت عدم رضایت آنان، افراد برگزیده برای ادوار بعدی بکار گرفته نمی‌شوند. این رأی، انحراف از مشارکت فوق الذکر را به طرق دیگر و از طریق مصوبات شوراها، که احتمال ورود خلل به مشارکت شهروندان را رد نموده و جلوه‌ای دیگر از اعمال مسئولیت‌پذیری با تأکید بر تحقق گشایش می‌باشد.

بنابراین با بررسی رویه هیئت عمومی دیوان عدالت اداری، می‌توان دریافت که اصل مسئولیت‌پذیری در رویه قضایی حقوق اداری ایران اعمال می‌گردد اما نه لزوما به‌طور مستقل و مستقیم، بلکه از طریق شاخص‌های مربوط به احراز اصل مسئولیت‌پذیری، اعمال می‌شود.

بند پنجم. حسن جریان امور، محل استقرار اصل مسئولیت‌پذیری در حقوق اداری ایران

قانون تشکیل سازمان بازرسی کل کشور مصوب سال ۱۳۶۰ با اصلاحات و الحاقات بعدی آن می‌باشد که صدر ماده ۱ آن در اجرای اصل ۱۷۴ قانون‌اساسی بیان می‌دارد که:» به منظور نظارت بر حسن جریان امور و اجرا صحیح قوانین در دستگاه‌های اداری و در اجرای اصل ۱۷۴ قانون اساسی جمهوری اسلامی‌ایران، سازمانی بنام سازمان «بازرسی کل کشور» که در این قانون به اختصار «سازمان» نامیده می‌شود، زیر نظر رئیس قوه قضائیه و با اختیارات و وظایف مندرج در این قانون تشکیل می‌شود. (اصلاحی مصوب ۱۷/۴/۱۳۸۷)» هم‌چنین تبصره این ماده، اشاره به نظارت و بازرسی برای تحقق اجرای صحیح قوانین و هم‌چنین ارائه پیشنهادها برای تحقق حسن جریان امور اشاره دارد.»

نکته مهم راجع به سازمان بازرسی، موضوع نظارت این سازمان می‌باشد که شامل «نظارت بر حسن جریان امور و اجرای صحیح قوانین» است.

دو تعبیر با محوریت بحث صلاحیت و نیز حفظ حقوق شهروندان از عبارات «حسن جریان امور» و «اجرای صحیح قوانین» وجود دارد که سازمان بازرسی به موجب آن ها، مصداقی برای اصل مسئولیت‌پذیری و اعمال آن برشمرده می‌شود.

۱۰/۱۲/۱۳۹۳، ۲۵۴۸ ـ ۱۴/۱۲/۱۳۹۸، ۲۵۵۶ ـ ۲۱/۳/۱۳۹۸ و ۲۶/۳/۱۳۹۸ شورای اسلامی شهر تهران راجع به تشکیل نهاد شورایاری به تاریخ ۱۳۹۹،۰۴،۱۷.

یک آن که اجرای صحیح قوانین نوعی صلاحیت تکلیفی است و حسن جریان امور در واقع به نوعی به صلاحیت‌های اختیاری مقامات در چارچوب قوانین و مقررات اشاره می‌کند که برخی از رفتارها چارچوب‌های قانونی نداشته باشد. در این جا عملکرد و بهره‌وری یک مقام با مقام دیگر یکسان نمی‌باشد و سازمان بازرسی کل کشور به عنوان متولی نظارت بر اجرای صحیح قوانین و حسن جریان امور هردو موضوع را مد نظر قرار می‌دهد. در چنین وضعیتی قانون اجرا شده و به درستی هم اجرا گردیده است، سازمان بازرسی کل کشور دیگر هیچ وظیفه ای ندارد، اما باید توجه کرد که برای بررسی حسن جریان امور حق ورود به صلاحیت‌های اختیاری مقامات را هم دارد تا بررسی شود در حیطه وظایفی تعیینی برای آن ها، توانستد تصمیمات درست بگیرند یا خیر. در واقع در اینجا محتوایی شدن و اصولی شدن حاکمیت قانون است که در دستاورد اختصاصی و نظارتی خود، کنترل اقدامات و تصمیمات صلاحدیدی که با توجه به ماهیت ویژه‌اش با قوانین معمول ممکن نیست، با استمداد از روح قانون و اصول و قواعد حقوقی و آیین‌مند نمودن تصمیم‌گیری‌ها میسر می‌گرداند.[۱] در اینجاست که استقرار اصل مسئولیت‌پذیری رخ می‌دهد و برای بالا رفتن ابعاد کیفی تصمیمات، این اصل در سازوکار نظارتی سازمان بازرسی کل کشور اعمال می‌گردد. تعبیر دیگر آن است که حسن جریان امور معطوف به رضایت شهروندان می‌باشد. دستگاه‌های اجرایی وظیفه‌شان در نهایت خدمت‌رسانی به مردم است. در اینجا ممکن است حتی قوانین هم به درستی اجرا شود اما باز از نظر شهروندان رضایت و حسن جریان امور برقرار نباشد. در واقع اجرای صحیح قوانین ناظر به کارآیی اداره است و حسن جریان امور به تعبیر پیتر دراکه، در معنای اجرای قوانین درست است. در این جا ممکن است اشکالات در بحث قانون‌گذاری، موجب شود که اجرای صحیح قوانین مصوب نیز نتواند حسن جریان امور را در در دستگاه اداری به ارمغان آورد و اینجاست که اصل مسئولیت‌پذیری در کارکرد سازمان بازرسی برای انجام وظیفه نظارت بر حسن جریان امور به عنوان یک شاخص، مستقر می‌شود. آنچه که در استفساریه‌ای از کمیسیون حقوقی سازمان بازرسی کل کشور مورد توجه قرار گرفته، تمایز بین اجرای صحیح قوانین و حسن جریان امور است و ارتباط آن ها به نحو عموم و خصوص می‌باشد.

کمیسیون حقوقی سازمان بازرسی کل کشور مشخص نکرده که چه نوع عموم و خصوصی بین این دو عبارت حاکم است اما آنچه که به دست می‌آید این است که این ارتباط از نوع عموم و خصوص

۱. فنازاد، رضا، **صلاحیت اختیاری در بستر حقوق عمومی مدرن**، تهران: خرسندی، ۱۳۹۴، صص۱۵۶-۱۵۵

مطلق است. چراکه در بحث تحقق حسن جریان امور ،یکی از پایه‌ها اجرای صحیح قوانین و نه صرفا اجرای قوانین می‌باشد.[1] پایه دیگر برای تکمیل تحقق حسن جریان امور، توجه و بکارگیری الگوی حکمرانی مطلوب است. شاخص‌هایی همچون شفافیت، پیش‌بینی پذیری مستمر امور، مستندسازی فعالیت‌ها در دستگاه‌ها، پاسخگویی بر اساس همان مستندات و عوامل روانی امور، دقت و سرعت و سهولت در قالب مسئولیت‌پذیری ضوابطی برای نظارت بر حسن جریان امور می‌شوند.[2]

نتیجه‌گیری

دستاورد این پژوهش، ورود با جزئیات بیشتر به مبحث اصول نوین حقوق اداری، با تمرکز بر روی مسئولیت‌پذیری به عنوان یکی از اصول نوین در راستای بهبود اوضاع نظام اداری با رویکرد مسأله‌محور نسبت به حقوق اداری ایران است. در همین راستا، بررسی مفهوم و مبانی این اصل و بررسی نقش و جایگاه آن در حقوق اداری ایران، از نتایج این پژوهش بود. کارکرد اصل مسئولیت‌پذیری افزایش کارآیی برای ایجاد نظام اداری صحیح، جلوگیری از اخلال و کندی در دیوان‌سالاری و تحقق حسن جریان امور در چارچوب قانون‌مداری می‌باشد. وظایف نظارتی در سازمان بازرسی کل کشور به عنوان مصداقی برای تحقق اصل مسئولیت‌پذیری و نظارت بر حسن جریان امور می‌باشد که مجموعه این موارد کارکرد اصل مسئولیت‌پذیری را در جهت نیل به سمت «ایجاد نظام اداری صحیح» رقم می‌زند. بنابراین فرضیه اصلی به اثبات رسید.

منابع این اصل، از جمله قانون و به ترتیب قانون اساسی، سیاست‌های کلی نظام اداری، قانون مدیریت خدمات کشوری، قانون تشکیل سازمان بازرسی کل کشور، قانون ارتقاء سلامت اداری و مبارزه با فساد و قانون رسیدگی به تخلفات اداری به عنوان منابع قانونی اصل مسئولیت‌پذیری و پس از آن رویه قضایی هیئت عمومی در دیوان عدالت اداری به عنوان منابع اصل مسئولیت‌پذیری بیان شدند. سپس ارتباط اصل مسئولیت‌پذیری با سازمان بازرسی کل کشور به عنوان مصداق اصل مسئولیت‌پذیری در حقوق اداری ایران که در جهت حسن جریان امور و نظارت بر آن و النهایه

۱. موسوی‌زاده، سیدشهاب‌الدین و محمدرضا ویژه، **نشست تخصصی نظارت سازمان بازرسی کل کشور بر حسن جریان امور و اجرای صحیح قوانین**، تهران: پژوهشگاه قوه قضائیه، ۱۳۹۳، صص۱۶-۱۳.

۲. موسوی‌زاده، سیدشهاب‌الدین و محمدرضا ویژه، **نشست تخصصی نظارت سازمان بازرسی کل کشور بر حسن جریان امور و اجرای صحیح قوانین**، صص۱۶-۱۵.

رسیدن به ایجاد غایت نظام اداری صحیح، گام برمی‌دارد، بیان گردید، اما این نکته مهم است که راهکار کوتاه‌مدت برای بروز مستقل و رسمی اصل مسئولیت‌پذیری در حقوق اداری ایران، به جهت تحقق ، استفاده از متخصصان حقوق اداری در دستگاه‌های اداری، برای احراز و به کارگیری این اصل در امور اداری و اجرایی، می‌باشد. همچنین راهکار میان‌مدت برای تحقق اصل مسئولیت‌پذیری، استفاده از نظرات این متخصصان در تدوین قوانین و مقررات مربوط به کارکرد نظام اداری، بکارگیری رویه اداری برای پویایی و چابکی هرچه بیشتر دیوان‌سالاری و مشارکت مردم در پیشبرد امور اداری، می‌باشد و در نهایت بکارگیری ظرفیت های مغفول قانون اساسی یا بازطراحی آن در بلندمدت، راهکاری درازمدت‌تر برای استقرار اصل مسئولیت‌پذیری می‌باشد تا تحقق ایجاد نظام اداری صحیح، به واقعیت بپیوندد.

فهرست منابع

۱. فارسی

الف) کتاب

۱-فرکیش، هانه، نظام اداری صحیح؛ مبانی، مؤلفه‌ها و راهکارها، جلد یکم، تهران: میزان، ۱۳۹۸.
۲-فنازاد، رضا، صلاحیت اختیاری در بستر حقوق عمومی مدرن، تهران:خرسندی، چاپ اول، ۱۳۹۴.
۳-کامنکا، یوجین، دیوان‌سالاری، ترجمه خسرو نصیری، تهران: شیرازه، چاپ اول، ۱۳۸۰.
۴-موسوی‌زاده، سیدشهاب‌الدین و محمدرضا ویژه، نشست تخصصی نظارت سازمان بازرسی کل کشور بر حسن جریان امور و اجرای صحیح قوانین، تهران: پژوهشگاه قوه قضائیه، ۱۳۹۳.
۵-نقیبی مفرد، حسام، حکمرانی مطلوب در پرتو جهانی شدن حقوق بشر، تهران: شهر دانش، ۱۳۸۹.
۶-هداوند، مهدی و علی مشهدی، اصول حقوق اداری (در پرتو آراء دیوان عدالت اداری)، تهران، خرسندی،چاپ چهارم، ۱۳۹۵.

ب) مقاله

۱-بیدار، زهرا، علی مشهدی و علیرضا دبیرنیا، «تأملی بر جایگاه و آثار اصل گشایش در حقوق اداری مدرن»، فصلنامه حقوق اداری، سال نهم، شماره ۲۹، زمستان ۱۴۰۰.
۲-تنگستانی، محمدقاسم و مهدی مرادی برلیان، «درآمدی بر تکلیف دولت در "حذف تشکیلات غیرضرور»، فصلنامه دانش حقوق عمومی، سال ۱۲، شماره ۳۹، بهار ۱۴۰۲.
۳-دانایی‌فرد، حسن، «تفکیک، ادغام و طراحی وزارتخانه‌های جدید در ایران: تحلیلی نظری»، پژوهش‌های مدیریت منابع انسانی، دوره دوم، شماره ۴.
۴-هداوند، مهدی و داود کاظمی، «تأملی بر اصول مدرن حقوق اداری در قانون مدیریت خدمات کشوری ، (تحلیل ماده ۹۰ قانون مدیریت خدمات کشوری)»، فصلنامه راهبرد، سال بیست و دوم، شماره ۶۷، تابستان ۱۳۹۲.

ج) رساله

۱-پتفت، آرین، مفهوم و قلمرو اصول حقوق اداری و بررسی آن در رویه دیوان عدالت اداری، رساله

دوره دکتری حقوق عمومی، تهران، دانشگاه علامه طباطبائی، ۱۳۹۶.
۲-هداوند، مهدی، نظارت قضایی بر اعمال اداری از منظر حکمرانی خوب، رساله دوره دکتری حقوق عمومی، تهران، دانشگاه علامه طباطبائی، ۱۳۸۶.

د) یادداشت

۱-هداوند، مهدی، تأملی در مفهوم "ایجاد نظام اداری صحیح و حذف تشکیلات غیرضرور" در بند ۱۰ اصل سوم قانون اساسی، قابل دسترسی در:

https://www.ghazavatonline.com/38302/contemplation-concept-of-creating-a-proper-administrative-system/

و) آرای قضایی

۱-رأی شماره ۱۸۵ هیئت عمومی دیوان عدالت اداری مورخ ۱۳۸۶.۰۳.۲۰.
۲-رأی شماره ۲۶۴ الی ۲۸۷ هیئت عمومی دیوان عدالت اداری مربوط به سال ۱۳۹۰.
۳-رأی شماره ۳۸۲ هیئت عمومی دیوان عدالت اداری مورخ ۱۳۹۶٫۰۴٫۲۷.
۴-رأی شماره ۸۶۴ ـ ۸۶۳ هیئت عمومی دیوان عدالت اداری مورخ ۱۳۸۸٫۰۱٫۱۸.
۵-رأی شماره ۱۱۰۱ هیئت عمومی دیوان عدالت اداری مربوط به سال ۱۳۹۹.
۶-رأی شماره۱۱۷۵ الی ۱۱۷۷ هیئت عمومی دیوان عدالت اداری مورخ ۱۴۰۰٫۰۴٫۰۸.
۷-رأی شماره ۱۵۱۴ هیئت عمومی دیوان عدالت اداری مورخ ۱۳۹۹٫۱۰٫۲۳.
۸-رأی هیئت عمومی دیوان عدالت اداری به شماره دادنامه ۹۹۰۹۹۷۰۹۰۵۸۱۰۵۲۵ مورخ ۱۳۹۹٫۰۴٫۲۹.
۹-رأی هیئت عمومی دیوان عدالت اداری به شماره دادنامه ۹۹۰۹۹۷۰۹۰۵۸۱۰۵۴۹ و ۹۹۰۹۹۷۰۹۰۵۸۱۰۵۵۰ مورخ ۱۳۹۹٫۰۴٫۱۷.

2 .Latin Source

A) Book, Article and Other

1-Bugaric, Bojan, »Openness and Transparency In Public Administration: Challenges for Public Law«, Wisconsin Journal of International Law,22, 2004.

2-Douglas, Roger, "Administrative Law and Good Governance", in Preston, Noel and Sampford,

Charles (eds.), Public Sector Ethics: Finding and Implementing Values, New York, Routledge, 2012.

3-Friedman, Barry D., Responsivness, See at: http://faculty.ung.edu/bfriedman/studies/respon.htm

4-Groves, Matthew, Modern Administrative Law In Australia Concepts and Contex, Cambridge University Press, 2012.

5-Kask, Oliver, Eide, Asbjorn, Draft report on the notions of "Good Governance" and "Good Administration", Venice Commission, 2009.

6-Neil, Parpworth, Constitutional and Administrative Law, Oxford University Press, 2012.

7-Petoft, Arian, »The Concept and Instances of General Principles of Administrative Law: Towards a Global Administrative Law, Cuestions Constitunales«, no.42, Administrative Law: Towards a Global Administrative Law, Cuestions Constitunales, no.42, 2020, Instituto de Investigaciones Juridicas, UNAM.

8-Roberts v. Hopwood, 1925, AC 578, available at: https://swarb.co.uk/roberts-v-hopwood-hl-1925.

9-Romzek, Barbar. S »Dynamics of Public Sector Accountability in Area of Reform« International Review of Administrative Sciences ,Vol 66, Nol,2000.

B) Latin Judicial Verdict

1- "Bąkowska v. Poland" case, (2008), ECHR.

2-Budayeva and Others v. Russia case , ECHR, 2008, See at: https;//hudoc.echr.coe.int/fre?i=001-85436

3- "Kudła v. Poland" case, (2000), ECHR.

4- "Mocanu and Others v. Romania" case, (2014), ECHR.

5-Öneryildiz v. Turkey case , ECHR, 2004, See at: https;//hudoc.echr.coe.int/fre?i=001-67614

6- "Társaság a Szabadságjogokért v. Hungary" case, (2009), ECHR.

7- "Youth Initiative for Human Rights v. Serbia" case, (2013), ECHR.

8-C-96/82 IAZ v Commission case, 1983, ECR 3369, available at: https://eurlex.europa.eu/legal-content/EN/TXT/?uri=CELEX%3A61982CJ0096

Feasibility of Responsiveness Principle in Administrative Law in Iran

Mohammadreza Vijeh[1]

Mohammad Khalili[2]

Abstract

Responsiveness principle in Administrative Law serves as a qualitative criterion for the exercise of public officials' powers. In this context, any deficiency or negligence in the fulfillment of duties by public officials leads to a decline in the quality of public services requested by the beneficiaries.

This study, using a descriptive-analytical method and library-documentary research, seeks to answer the question of How does Responsiveness realization happen in Administrative Law considering its conceptual framework. Responsiveness principle in Administrative Law in Iran with reference to legal sources such as Paragraph 10 of Article 3 of the Constitution is feasible. The jurisprudence of the Administrative Court of Justice, as the highest administrative judicial authority in Iran, also recognizes general principles of administrative law, including the Responsiveness principle, and its implementation serves as a source for applying this principle. Furthermore, according to Article 174 of the Constitution, duty of the General Inspection Organization of Iran in establishing the proper conduct of affairs is considered as one of the legal sources of Responsiveness to protect citizens' rights. The enforcement of this principle is also inferred from laws, particularly the Law on Administrative Violations, which addresses breaches of this principle. The realization of the Responsiveness principle will lead to an increase in quality, precision, and efficiency in administrative and executive bodies in delivering public services to citizens, thereby achieving the goal of "establishing a proper administrative system" as envisioned in the Constitution.

KeyWords: Administrative Law, Responsiveness, Proper Conduct of Affairs, General Inspection Organization, Administrative System.

1. Associate Professor, Department of Public and International Law, Faculty of Law and Political sciences, University of Allameh Tabatabai, Tehran, Iran. Email: mrezavijeh@atu.ac.ir

2. Ph.D. Student in Public Law, Faculty of Law and Political sciences, University of Allameh Tabatabai, Tehran, Iran (Corresponding Author). Email: khalili_mohammad@atu.ac.ir